

عوامل و آثار بزه‌دیدگی اخلاقی کودکان و نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام

محمد صادق چاووشی^۱

هادی کرامتی معز^۲

چکیده

کودکان و نوجوانان؛ آسیب پذیرترین قشر در شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام هستند؛ شبکه‌های اجتماعی کاربران کم سن را در معرض حجم عظیمی از اطلاعات قرار می‌دهند که بخشی از آن‌ها به دلیل عدم تناسب با رشد سنی و عقلی و میزان دانش کودک می‌تواند آثار زیان باری به همراه داشته باشد. از این رو، ضروری است که مهارت‌های لازم برای حضور در شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام به کودکان و والدین آن‌ها آموخته شود و همچنین عوامل و آثار بزه‌دیدگی اخلاقی این قشر آسیب پذیر در شبکه‌های اجتماعی شناسایی شود تا از آسیب‌های احتمالی پیشگیری شود.

در این مقاله با روش تحقیق تحلیلی - توصیفی به صورت کتابخانه‌ای از طریق فیش برداری به ارزیابی عوامل و آثار بزه‌دیدگی اخلاقی کودکان و نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام پرداخته شده است.

واژگان کلیدی

بزه‌دیدگی اخلاقی، شبکه اجتماعی تلگرام، شبکه اینستاگرام، کودکان و نوجوانان.

۱. مدرس دانشگاه و دانشجوی دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه عدالت، تهران، ایران.

Email: m.chavooshi1363@yahoo.com

۲. مدرس دانشگاه و پژوهشگر دکتری تخصصی حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Email: keramatihadi@ut.ac.ir

(نویسنده مسئول)

پذیرش نهایی: ۱۳۹۷/۶/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۳/۱۱

طرح مسأله

این روزها شبکه‌های اجتماعی سایبر نظیر اینستاگرام و تلگرام به پدیده‌ای مهم و پرطرفدار در میان تمامی سنین تبدیل شده و حتی کودکان و نوجوانان را نیز درگیر خود کرده است. کودکانی که با همکلاسی‌های خود گروه‌هایی در شبکه‌های اجتماعی همچون تلگرام تشکیل داده‌اند؛ کم نیستید و حتی می‌توان ردپای کاربران کم سن و سال را در شبکه‌های اجتماعی بزرگ تری همچون اینستاگرام نیز مشاهده کرد. هرچند حضور در شبکه‌های اجتماعی در قرن حاضر امری اجتناب ناپذیر است، اما می‌تواند در کنار محاسن که برای کاربران خود به همراه دارد، مشکلاتی نیز ایجاد کند که به نوبه خود تبعات فراوانی برای تمام سنین و اقشار و به خصوص کودکان و نوجوانان به همراه دارد.

با وجود تمام مخاطرات حضور در فضای مجازی، بسیاری از افراد کم سن، اشتیاق فراوانی به حضور در شبکه‌های اجتماعی پیدا کرده‌اند. حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا باید مانع آن‌ها شد؟ قطعاً منع آنها نمی‌تواند کمک کننده باشد. به این دلیل که از یک سو منع کودکان در انجام هر کاری می‌تواند اثرات منفی (نظیر خشم و لجبازی) در آن‌ها ایجاد کرده و به مراتب آن‌ها را برای استفاده از این شبکه‌های اجتماعی بیش از پیش ترغیب کند؛ از سوی دیگر، فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی سایبری، مزایای گسترده‌ای نیز به همراه دارند. تا حدی که امروزه حتی مدارس نیز برای سهولت در امر آموزش و ارتباط نزدیک‌تر با اولیاء دانش آموزان از امکانات فضای مجازی بهره می‌گیرند.

از این رو، ضروری است که مهارت‌های لازم برای حضور در شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام به کودکان و نوجوانان و والدین آن‌ها آموخته شود تا از آسیب‌های احتمالی جلوگیری شود؛ یکی از مهم‌ترین نقش‌ها برای حضور سالم کودکان در شبکه‌های اجتماعی را والدین و متولیان امور آموزش به ویژه مشاوران و روان‌شناسان مدرسه بر عهده دارند.

آگاه کردن کودکان و نوجوانان از مخاطرات و سوء استفاده‌های احتمالی و ضرورت حفظ حریم شخصی، اولین گام در آموزش نحوه استفاده سالم از فضای مجازی است. ضروری است که به کودکان و نوجوانان آموزش داده شود که چنانچه مشکلی در فضای مجازی پیش آمد، چه اقداماتی باید انجام دهند. بنابراین، لازم است که در برنامه آموزش رسمی مدارس، زمان خاصی به آموزش حفظ امنیت شخصی در فضای مجازی اختصاص داده شود. به علاوه، به دلیل آگاهی و تجربه اندک و تأثیرپذیری بالا در این دوره سنی، والدین باید نظارت فعالانه‌ای بر حضور این گروه‌های سنی در شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام داشته باشند. والدین می‌توانند با انجام فعالیت‌های مشترک در اینترنت نظیر جستجو و یادگیری مطالب جدید، فرصتی را برای حضور خود در کنار فرزندشان، در هنگام استفاده از اینترنت فراهم کنند. والدین و متولیان آموزش می-

توانند با ارائه اطلاعات صحیح و افزایش آگاهی کودکان و نوجوانان مانع از تأثیرگذاری اطلاعات اشتباه و گمراه کننده و ترویج کننده سبک‌های غلط زندگی شوند.

برای حضور کودکان و نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام باید قوانین خاصی وضع شود. مدت زمان حضور در فضای مجازی در روز باید مشخص باشد. زمانی که فرد، مدت زمان زیادی را بی هدف در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی حضور داشته باشد، به احتمال بیشتری در معرض محتواهای نامناسب قرار می‌گیرد. به علاوه، والدین باید امکان نظارت بر محتوایی که در دسترس فرزندشان قرار می‌گیرد، نیز داشته باشند. بی شک، هر چه سن فرد کمتر باشد، این مسأله اهمیت بیشتری پیدا خواهد کرد و بنابراین نباید از طریق رمزگذاری بر روی دستگاه‌ها، دسترسی والدین محدود شود. نکته قابل تأمل این است که والدین باید مهارت کافی را در زمینه نحوه قانونگذاری و نظارت بر فعالیت فرزندشان در فضای مجازی را کسب کنند. چنانچه نظارت به شیوه صحیح انجام نگیرد، ممکن است سبب ایجاد مشکلات و چالش‌هایی در رابطه والدین و فرزندشان شود. زیرا این عمل ممکن است از سوی فرزندان نوعی بی‌اعتمادی والدین تلقی شود و در نتیجه سبب لجبازی و پنهان کاری آن‌ها شود. لذا برای جلوگیری متخصص در این زمینه نظیر روان‌شناسان و مشاوران مشورت شود.

با این اوصاف نگارنده در این مقاله در پی پاسخگویی به این سوالات هستم که عوامل موثر بر بزه‌دیدگی اخلاقی کودکان و نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام چیست؟ بایسته‌های حقوقی در الزام به اخلاق در مورد شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام در مورد کودکان و نوجوانان چیست؟ به نظر می‌رسد ضعف تربیت اخلاقی جامعه، ضعف قوانین و سازکارهای فنی نظارت بر ترافیک دیتای شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام، سبک زندگی مدرن شهری و جهانی شدن، و عدم طراحی و اجرای یک نظام حمایت کیفری افتراقی از امنیت اخلاقی کودکان نسبت به بزرگسالان در جامعه (ضعف تقنینی، ضعف قضایی، ضعف اجرایی و ضعف مشارکتی)، عمده‌ترین عوامل موثر در بزه‌کاری و بزه‌دیدگی اخلاقی کودکان و نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام است و همچنین به نظر می‌رسد اعمال مجازات بر شخصیت مجازی افراد در کنار اعمال مجازات بر شخصیت حقیقی؛ پالایش موقت و دائم محتواهای غیراخلاقی و در صورت امکان، حذف آن‌ها در کنار قطع دسترسی کاربران مروج ردایب اخلاقی به شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام یا اخذ جریمه‌های مالی از این گونه کاربران، از جمله بایسته‌های حقوقی در الزام به اخلاق در مورد شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام است.

۱. مبانی نظری بزه‌دیدگی اخلاقی کودکان و نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام

شبکه‌های اجتماعی، افراد همفکر را در تمام جهان گرد هم می‌آورد و محیطی را می‌سازد

که در آن جرم می‌تواند آموخته شود. میان نظریه یادگیری اجتماعی و جرایم مرتبط با رایانه‌ها و اینترنت، ارتباط برقرار است. مثلاً نظریه یادگیری اجتماعی، جرم را در قالب چهار فرایند تعریف می‌کند: معاشرت ترجیحی، تعاریف، تقلید و تقویت ترجیحی (Akers, 1998, 29). به گفته ساترلند (۱۹۷۴)، جرم با فرآیند معاشرت ترجیحی آغاز می‌شود که شامل تعامل با افرادی است که به رفتار بزهکارانه علاقه مند هستند. این تعاملات می‌توانند به صورت تبادلات مستقیم یا غیرمستقیم باشند و شامل ارتباطات کلامی و غیر کلامی گردند (Akers, 1998, 29) این‌ها شامل تبادلات با اشخاص، گروه‌های اولیه، گروه‌های ثانویه و گروه‌های مرجع هستند.

ابزارها و خدمات اینترنتی در پی آنند که به اجتماعات برخط، انتخاب‌های فراوانی را به گردانندگان سایت‌ها برای برقراری ارتباط میان خود کاربران به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بدهند. به عنوان مثال، اتاق‌های گفت و گو و [سیستم] پیام‌های فوری، امکان تبادلات همزمان دو طرفه را فراهم کرده‌اند و به اعضای اجتماعات برخط، امکان دریافت بازخورد فوری از اعضای که با آن‌ها در ارتباط هستند را می‌دهند. تابلوهای پیام از سوی دیگر حالتی غیرهمزمان دارند. اما آرایه‌کننده یک بایگانی برای ایجاد تبادل میان اعضای اجتماع (فضای مجازی) هستند که برای تمام اعضا قابل جست و جو و در دسترس و در نتیجه قابل یادگیری است.

ایمیل‌ها و بلاگ‌ها قابلیت ادغام در ساختاری از یک اجتماع برخط را دارند تا بتوانند از تعاملات دو طرفه میان اعضا پشتیبانی نمایند. محتواهایی که به وسیله‌ی گردانندگان یک اجتماع [در فضای مجازی] در قالب یک صفحه وب یا تقویمی بر خط از رخدادهای اجتماع انتشار می‌یابد، اگرچه ارتباطات را به تعاملی یک طرفه تبدیل می‌کند اما اعضا را در معرض ایده‌ها و افکاری قرار می‌دهد که می‌توانند حمایت‌کننده جرم باشند و مشارکت در چنین اجتماعی را تغذیه نمایند.

از خلال همین تعاملات یا از خلال فرآیند معاشرت ترجیحی است که مردم فنون ارتکاب یک عمل مجرمانه، انگیزه‌ها، رویکردها و عقلانی جلوه‌دادهایی که در راستای یک عمل مجرمانه خاص است را می‌آموزند^۱. عقلانی جلوه دادن ارتکاب جرم، محدودیت‌های روان‌شناختی علیه رفتار بزهکارانه (مثلاً گناهکار بودن) را خنثی می‌کند. سایکس و ماتزا (۱۹۵۷) از ۵ نوع عقلانی جلوه دادن یا «فن خنثی‌سازی» سخن می‌گویند که از سوی بزهکاران برای تشریح درگیر شدنشان در جرم مورد استفاده قرار می‌گیرد. بزهکاران می‌توانند مسئولیت درگیر شدن در جرم را انکار نمایند و گناه را بر دوش نیروهای خارج از کنترل خویش مانند دوستان ناباب یا والدین ناخوشایند بگذارند. بزهکاران می‌توانند با انکار یا کوچک‌انگاری آسیب‌های حاصل [از

1 . Akers, R, 1998, . Op.cit , p29.

ارتکاب جرم]، جرم را کم اهمیت جلوه دهند. بزهکاران همچنین با مستحق دانستن بزه‌دیده نسبت به آنچه به دلیل ارتکاب جرم بر سرش آمده یا بیان این که معلوم نیست ضرری به بزه‌دیده رسیده باشد چون هنگام ارتکاب جرم، حضور فیزیکی نداشتند، تلاش می‌کنند تا کار خود را عقلانی نمایند.

۲. مفهوم شبکه‌های اجتماعی

شبکه‌های اجتماعی عموماً برنامه‌های کاربردی مبتنی بر اینترنت هستند که محتوای کاربر تولید شده شامل برداشت و تجارب مصرف‌کنندگان را در بر گرفته و به صورت آنلاین آن‌ها را به اشتراک گذاشته و امکان دسترسی آسان را فراهم می‌آورند. همچنین می‌توان رسانه‌های اجتماعی را به عنوان یک گروه از برنامه‌های کاربردی مبتنی بر اینترنت که بر روی پلت فرم وب ۲ از سراسر جهان وجود دارد و کاربران را قادر به اشتراک گذاشتن ایده‌ها، افکار، تجارب، چشم اندازه‌ها، اطلاعات، و ایجاد روابط می‌سازد، توضیح داد (chung, 2015: 220).

شبکه‌های اجتماعی شیوه تعامل افراد با یکدیگر و با شرکت‌ها را تغییر داده‌اند. ظهور وب ۲ صرف‌کنندگان را قادر ساخته است تا به طور فعال عمل کنند و نسبت به کارهایی که شرکت‌ها انجام می‌دهند واکنش نشان دهند و همچنین، مصرف‌کنندگان اطلاعات خود از محصولات و خدمات را به جای منابع آفلاین، از طریق منابع الکترونیکی دهان به دهان (Electronic Word of Mouth)، مانند شبکه‌های اجتماعی انتقال دهند. در حالی که اطلاعات تجاری سنتی، مانند تبلیغات روبه رشد است، تمایل مصرف‌کنندگان به همکاری آنلاین در ایجاد عقاید و ایده‌های محصولات و خدمات نیز رو به فزونی است. یک نظرسنجی جهانی در میان ۲۸۰۰۰ پاسخ دهنده اینترنتی نشان داد که تنها در حدود ۴۶٪ به تبلیغات سنتی اعتماد دارند، در حالی که ۹۲٪ بازاریابی دهان به دهان از دوستان و خانواده و ۷۰٪ بررسی آنلاین مصرف‌کننده اعتماد دارند (Dijkmans, 2015: 63). در این نظرسنجی سایت‌های رسانه‌های اجتماعی عاملی مهم شناخته شده‌اند (محمدامینی و خلعتبری، ۱۳۹۴: ۳).

شبکه‌های اجتماعی، نسل جدیدی از وب سایت‌ها هستند که این روزها در کانون توجه کاربران جهانی اینترنت قرار گرفته‌اند. این گونه سایت‌ها بر مبنای تشکیل اجتماعات آنلاین فعالیت می‌کنند و هر کدام دسته‌ای از کاربران اینترنتی را با ویژگی خاصی گردهم می‌آورند. به عبارت ساده‌تر، شبکه‌های اجتماعی را گونه‌ای از رسانه‌های اجتماعی می‌دانند که امکان دستیابی به نحو جدیدی از برقراری ارتباط و به اشتراک گذاری محتوا را در اینترنت فراهم آورده‌اند. امروزه میلیون‌ها نفر از کاربران اینترنت، عضو صدها شبکه اجتماعی متفاوت هستند و بخشی از فعالیت آنلاین روزانه را در فضای اینترنت را در این سایت‌ها انجام می‌دهند (محکم کار و حلاج، ۱۳۹۳: ۸۷).

۳. عوامل بزه‌دیدگی اخلاقی کودکان و نوجوانان در شبکه اجتماعی تلگرام و اینستاگرام
 شبکه اینستاگرام در درجه اول یک پدیده ارتباطی محسوب می‌شود که این ویژگی در درازمدت بر روی بازتعریف شخصیت فرد تأثیرات زیادی خواهد داشت که امروزه ما تغییر شخصیت کاربران این شبکه‌ها در جامعه را به طور ملموسی مشاهده می‌کنیم.
 تأثیر دیگر شبکه‌های اجتماعی از جمله اینستاگرام این است که به تک تک کاربران خود هویت کاذب و غیر واقعی می‌دهد افرادی که در داده‌ها، مرادوات و گفتگوهای خود تنها به فضای مجازی بسنده می‌کنند خود به خود به لحاظ هویتی یک هویت کاذب پیدا کرده و به سمت توهم پردازی و خیال بافی می‌روند که این معضل باعث می‌شود که غالب کاربران این فضا قادر نباشند تصمیمات مناسب، به هنگام، عینی و واقعی در زندگی خود بگیرند.

بررسی‌ها نشان داده است که شخصیتی که این فضا به کاربران فضای مجازی می‌دهد تا حد زیادی با شخصیت اصلی فرد متفاوت است؛ یک کاربر می‌کوشد تا نداشته‌های خود را به صورت مجازی نمایش دهد و یا اینکه تحت تأثیر مقایسه خود با سایر کاربران قرار گرفته و از شخصیت‌های کاذب دیگران برای شکل دادن شخصیت مجازی خود استفاده کند؛ در این فضا امکان بروز بسیاری از جرایم و جنایات برای فرد ایجاد می‌گردد.

بنظر نگارنده مهم‌ترین تأثیری که شبکه اجتماعی می‌تواند در درازمدت بر افراد بگذارد گرفتن انواع نبوغ و خلاقیت و نوآوری از افراد است که موجب کاهلی، افسردگی و بروز یک سری حالات روانی غیر قابل قبول و غیر عادی در فرد می‌شود. این حالات روانی غیر قابل قبول و غیر عادی در فرد می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از رفتارها و ناسازگاری‌ها در خانواده‌ها شود که با ادامه این حالات و پایین آمدن آستانه تحمل افراد یک خانواده، زمینه‌ساز جدایی اعضای یک خانواده از هم شروع شود.

مهم‌ترین علل جرایم و انحرافات کودکان و نوجوانان در شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام و تلگرام از منظر جرم‌شناسی عبارتند از:

۳-۱. عدم آگاهی از ساختار و چگونگی کارکرد شبکه‌های اجتماعی

سهل الوصول شدن استفاده از سایت‌های اینترنتی و همچنین عضویت در شبکه‌های اجتماعی نظیر اینستاگرام موجب شده تا طیف گسترده‌ای از اقشار کودک و نوجوان به راحتی در این فضاهای تبادل اطلاعات عضو شوند، بدون این که آگاهی کافی و درستی از شرایط، امکانات و چگونگی کارکرد هر یک از این فضاها داشته باشند. برای مثال بسیاری از کاربران شبکه اجتماعی اینستاگرام و تلگرام از برخی امکانات این شبکه در مورد این که چه طیفی از کاربران این شبکه قادر به دیدن عکس‌های وی هستند یا می‌توانند اطلاعات خصوصی وی را مشاهده کنند مطلع نیستند. لذا به راحتی به انتشار و اشتراک‌گذاری مطالب و محتوای خصوصی خود

دست می‌زنند و همین باعث سوء استفاده برخی کاربران فرصت طلب می‌شود.

۳-۲. عدم آگاهی والدین نسبت به فضای تبادل اطلاعات

بسیاری از والدین با توجه به اختلاف سنی و شرایط متفاوت دوران رشد خود و تفاوت‌های فاحش ارزشی حاکم بر دنیای آنها با دنیای فرزندان خود، از آسیب‌ها و فرصت‌های شبکه مجازی غافلند. لذا قادر به مدیریت و درک درست رفتارهای فرزندان خود نبوده و این عامل باعث تشدید در معرض آسیب قرار گرفتن فرزندان می‌شود.

۳-۳. عدم آگاهی کاربران از قوانین و جرایم فضای تبادل اطلاعات

با توجه به نوپا بودن شبکه‌های اینستاگرام و تلگرام و گستردگی سیل‌وار کاربران این شبکه طی چند سال، بتدریج جرایم فضای سایبری در حال عیان شدن است، اکثر کاربران اینترنتی از قوانین شبکه‌های اجتماعی سایبری؛ پس از انتشار محتوایی که به نظر آن‌ها، امری عادی و غیرمجرمانه تلقی می‌شود، به عنوان مجرم احضار یا دستگیر شوند که این عدم آگاهی در جای خود باعث افزایش جرایم این فضا می‌شود (کرامتی معز؛ صدر و مقدم ۱۳۹۶: ۳۹).

۴. آثار عوامل بزه‌دیدگی اخلاقی کودکان و نوجوانان در شبکه اجتماعی تلگرام و اینستاگرام

۴-۱. نابودی سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی با ماده‌ی «ارتباط» ایجاد می‌شود و سازنده صورت‌هایی همچون جامعه مدنی است که در قالب آنها کنشگران به تشخیص وضعیت موجود، شناخت قوت‌ها و ضعف‌ها، و تعیین موقعیت آرمانی قادر می‌شوند. آنچه از تعاریف متعدد سرمایه اجتماعی برمی‌آید این است که این اصطلاح در بردارنده مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و روابط بین اعضای یک گروه بوده؛ به نحوی که گروه را به سمت دستیابی به هدفی که بر مبنای ارزش‌ها و معیارهای رایج در جامعه مثبت تلقی شود، هدایت می‌کند.

یکی از پیامدهای مثبتی که برای سرمایه اجتماعی برمی‌شمرند، تأثیر آن بر عملکرد کارآمد و اثربخش نهادهای حکومتی است. در بحث سرمایه اجتماعی و حکمرانی خوب تصور بر این است که سرمایه اجتماعی موجب می‌شود تا شهروندان و حاکمان رفتارهایی را پیشه کنند که در نهایت منافی مانند حکومت مسئول، پاسخگو و کارآمد ایجاد می‌کند. همچنین سرمایه اجتماعی موجب می‌شود تا مشارکت شهروندان در حوزه‌های عمومی افزایش پیدا کند و نهادینه شود. شهروندانی که در حوزه‌ها و فضاهای عمومی مشارکت می‌ورزند، همواره و مداوم سیاست‌ها و برنامه‌های حکومت‌ها را رصد و پیگیری کرده و نسبت به نقد و ارزیابی آنها می‌کوشند.

سرمایه اجتماعی هرچه بیشتر مصرف شود افزایش خواهد یافت و در صورت عدم مصرف رو به کاهش و نابودی خواهد گذارد. سرمایه اجتماعی موجب می‌شود تا همکاری و تعامل میان اعضای گروه‌های اجتماعی به سهولت انجام گرفته و هزینه‌های عمل کاهش یابد. سرمایه

اجتماعی عنصری مطلوب برای انجام همکاری‌های درون گروهی است و هرچه میزان آن بالاتر باشد دستیابی گروه به اهداف خود با هزینه کمتری انجام می‌گیرد. اگر در گروهی به سبب نبود ویژگی‌هایی مانند اعتماد و هنجارهای مشوق مشارکت، سرمایه اجتماعی به اندازه کافی فراهم نباشد، هزینه‌های همکاری افزایش خواهد یافت و تحقق عملکرد بستگی به برقراری نظام‌های نظارتی و کنترل پرهزینه خواهد بود. در مقابل، وجود سرمایه اجتماعی به میزان کافی و مناسب سبب برقراری انسجام اجتماعی و اعتماد متقابل شده و هزینه‌های تعاملات و همکاری‌های گروهی کاهش می‌یابد و در نتیجه، عملکرد گروه بهبود می‌یابد. پس، هرچه سرمایه اجتماعی در گروه بیشتر باشد، هزینه همکاری و تعامل کمتر است، و در نتیجه، دستیابی به اهداف بیشتر است. سرمایه اجتماعی می‌تواند به شیوه‌های مختلف موجب تقویت حکمرانی خوب شود. نخست، سرمایه اجتماعی آگاهی شهروندان را نسبت به امور عمومی افزایش می‌دهد و در نتیجه موجب می‌شود تا مسئولان حکومتی بر کارایی خود بیفزایند؛ فرایندی که موجب توسعه جامع می‌شود. دوم، سرمایه اجتماعی اعتماد عمومی را افزایش می‌دهد و در نتیجه بخش قابل توجهی از منابع حکومت را که صرف نظارت و کنترل بر اعضای جامعه می‌شد، برای سرمایه‌گذاری‌های ضروری - تر آزاد می‌شود (Grabosky, 2007: 38)

برآورد ارائه شده از نسبت سرمایه اجتماعی با امنیت ملی حکایت از آن دارد که سطح تعامل سرمایه اجتماعی با امنیت ملی از حد ابزاری فراتر رفته و تأثیری گفتمانی را در پی داشته است. در این تلقی تازه معنای امنیت با مؤلفه‌های نرم‌افزاری فهم و درک می‌شود که اصولاً با عناصر «سرمایه اجتماعی» انطباق بیشتری دارند تا عناصر و منابع سخت قدرت. به عبارت دیگر، امنیت بر بنیاد سرمایه اجتماعی شکل می‌گیرد (Grabosky, 2007: 38).

قدرت نرم با تأکید بر اصول و هنجارهایی چون اعتماد، باور، تعلق و ... چارچوب نوینی را بنیاد می‌گذارد که نه تنها به صورت مستقل تولید نیرو می‌کنند بلکه افزون بر آن ضریب کارآمدی منابع سخت قدرت را نیز افزایش می‌دهد. با این استنتاج راهبردی، در عصر حاضر نمی‌توان به درک و تقویت امنیت ملی، بدون توجه به تقویت میزان سرمایه اجتماعی در یک کشور اندیشید. کودکان و نوجوانان، گونه‌های فراموش شده در مبارزه جهانی با جرائم شبکه‌های اجتماعی‌اند؛ بی‌تردید، اگر موضوع بزهکاری و بزه‌دیدگی سایبری کودکان به درستی مورد توجه متولیان سیاست جنایی کشور نباشد، سرمایه اجتماعی ملت ایران دچار لطمه‌ی جبران‌ناپذیر خواهد شد و منابع انسانی این کشور نیز وضعیتی چون هدررفت منابع مادی این مرز و بوم خواهد یافت.

۴-۲. بسط هرزه‌نگاری اخلاقی علیه کودکان و نوجوانان

در مورد اخلاق کاربر در فضای سایبر، با تأکید بر تغییرات فناوری‌های نوین ارتباطی، مساله

اصلی، فهم این امر است که آیا کاربران در فضای مجازی به آنچه که در دنیای حقیقی اعتقاد دارند، عمل می‌کنند؟ آیا فضای مجازی، ارزش‌های اخلاقی خاص خود را می‌طلبد یا همان اصول اخلاقی دنیای حقیقی در آن بازتعریف می‌شود؟ به علت مجازی بودن روابط در اینترنت کم‌توجهی به اخلاق از سوی برخی کاربران تبدیل به یک دغدغه اساسی شده است. توجه به اخلاق برای سلامت روابط مهم است و فضای مجازی نیز از این مسأله مجزا نیست و کاربران باید توجه جدی به اخلاق‌مداری داشته باشند. با توجه به این که در عصر ارتباطات هستیم و هر فردی روزانه بخشی از وقت خود را با توجه به نوع فعالیتی که دارد در فضای مجازی سپری می‌کند اخلاق‌مداری هم‌چنین پای‌بندی به اصول قانونی اینترنت آramش کاربران را به‌دنبال دارد. پیشرفت‌های فناورانه نقشی اساسی در گسترش و بسطِ هزینه‌نگاری در دنیای امروز ایفا می‌کند. ورود سیستم‌های ضبط دیجیتال در دهه‌ی ۱۹۷۰ برای همیشه دسترسی مصرف کنندگان هزینه‌نگاری به این محصولات را تغییر داده و فیلم‌های هزینه‌نگاری را جایگزین تئاتر کرد (دیده بان، ۱۳۹۳: ۸۱)؛ اشخاصی که هیچگاه حاضر نبودند به فروشگاه‌های ویژه‌ی بزرگسالان رفته و محصولات هزینه‌نگاری را خریداری یا کرایه کنند، اینک می‌توانند به راحتی و تنها با یک فشار انگشت، تصاویر و فیلم‌های هزینه‌نگاری را از اینترنت بارگیری (دانلود) کنند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که تعداد وب‌سایت‌های مختص سکس از ۲۸ هزار وب‌سایت در سال ۱۹۹۸ به بیش از ۴/۲ میلیون در سال ۲۰۰۷ رسیده است که این رقم ۱۲ درصد کل وب‌سایت‌های موجود در دنیا را تشکیل می‌دهد (دیده بان، ۱۳۹۳: ۸۱).

از طرفی تعاملات جهانی امروز که مبتنی بر اینترنت و فضای رایانه‌ای است، بدون استفاده از این ابزار کارآمد تقریباً ناممکن به نظر می‌رسد. در واقع فناوری اطلاعات (IT) بیشتر ابعاد زندگی اشخاص را دربر گرفته است (جعفری فرد، ۱۳۹۳: ۳۹)؛ زیرا اینترنت و فضای سایبر (مجازی) علاوه بر اینکه محتوای «روی خط»^۱ بیشتری را برای تعداد پرشماری از افراد فراهم می‌آورد، راه‌های سودمند و نوینی را برای نشر و جمع‌آوری اطلاعات پیش روی کاربران قرار می‌دهد؛ از این رو، اینترنت به سرعت تبدیل به مهمترین رسانه هزینه‌نگاری گردیده است و به تدریج، جایگزین گونه‌های سنتی هزینه‌نگاری شده است. بر اساس یک گزارش، فروش نشریات هزینه‌نگاری پنت‌هاوس^۲ از ۳/۵ میلیون دلار در دهه‌ی ۸۰ به حدود ۸۵۰ هزار دلار در سال ۲۰۰۱ تنزل یافته است. همچنین، پلی بوی که تا سال ۲۰۰۰، با همان شیوه‌های سنتی کار کرده است. نسبت به سه سال پیش از آن، ۱۲ درصد کاهش فروش داشته و میزان ضرر ۵/۳ میلیون دلاری آن به ۴۶/۶ میلیون دالر بالغ شده است؛ همچنین، برآورد شده است که در هزاره جدید، بین ۵ تا

۱۰ درصد از کل پولی که بصورت آنلاین در اینترنت خرج میشود، به سمت وب سایت‌های هرزه نگاری مختص بزرگسالان علیه کودکان روانه گردد (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۲۷).

آمار و ارقام مذکور در بالا موید آن است که اینترنت هرزه نگاری را از حالت سنتی درآورده و ابزار کارآمدی برای سوء استفاده کنندگان جنسی فراهم آورده است. این فناوری نوین ارتباطی، سبب شده حجم آثار هرزه نگارانه چندبرابر شده و تعداد دریافت کنندگان تصاویر و حجم تصاویر و فیلم‌های مستهجن بصورت غیرقابل تصویری افزایش یابد؛ برغم مارک لاسر، اینترنت به علت قابلیت دسترسی آسان، توانایی همگان در پرداخت بهای آن و ناشناس ماندن کاربران، به یکی از مهم‌ترین منابع اشاعه هرزه نگاری تبدیل شده است (طلاکش، ۱۳۹۴: ۶۷).

پژوهش‌ها از روزافزون شدن استفاده از پایگاه‌های اینترنتی ویژه سکس و تصاویر مستهجن علیه کودکان حکایت می‌کنند. برخی از پایگاه‌های اینترنت، صحنه‌های جنسی را در عریان‌ترین، صریح‌ترین و غیراخلاقی‌ترین وجه ممکن به نمایش می‌گذارند. در گذشته، برای دستیابی به مجله‌های هرزه نگارانه و یافتن مسائل جنسی، افراد می‌بایست به مکان‌های ناسالم و نکبت بار مراجعه میکردند، ولی امروزه باوجود اینترنت، دسترسی به این موارد بسیار آسان شده است و هر ساله برحجم اینگونه هرزه‌نگاری‌ها افزوده می‌شود. در سال ۱۹۹۸ دکتر کوپر^۱ با معالجه صدها کاربر متصل بطور همزمان، پی برد که ۱۵ درصد آنان به یکی از پایگاه‌های سکسی متصل بودند. همچنین، پژوهشی در سال ۱۹۹۹ نشان داد که ۳۱ درصد از کاربران متصل به اینترنت در یک زمان، به پایگاه‌هایی اتصال داشتند که به سکس اختصاص داشت. همچنین، پژوهشی که زیر نظر موسسه بازپروری معتادان به سکس در لوس آنجلس انجام شد، نشان داد که هر هفته ۲۵ میلیون نفر آمریکایی به پایگاه‌های اینترنتی ویژه سکس متصل می‌شوند. و این که، اساساً ۶ درصد از بازدیدکنندگان هرگونه پایگاه اینترنتی، در پی موضوع‌های مربوط به سکس و تصاویر هرزه نگارانه هستند (کرامتی معز و عبدالهی: ۱۳۹۶: ۶۹).

امروزه هرزه نگاری یکی از عمده‌ترین موضوعات علیه کودکان در شبکه‌های اجتماعی به خصوص اینستاگرام تبدیل شده است و متأسفانه راهی برای پیشگیری از انتشار و دستیابی به مطالب خلاف عفت عمومی توسط مسئولان ارائه نشده و تلاش‌های متخصصان امر تاکنون نتیجه بخش نبوده است.

۴-۳. افزایش جرایم علیه اخلاق جنسی و عفت عمومی

در عصر جهانی شدن، مهم‌ترین ویژگی‌های جامعه اطلاعاتی و ارتباطاتی عبارتند از: تبدیل شدن اطلاعات به مرکز تصمیم‌گیری، کاستن از محدودیت زمانی و مکانی، فراگیری تأثیرات

فناوری‌های جدید، سرعت، تمرکززدایی، تنوع‌بخشی و انبوه‌زدایی، انعطاف‌پذیری و شفافیت و علنی‌بودن (کرامتی معز؛ صدر و مقدم ۱۳۹۶: ۳۸) فناوری‌های جدید اطلاعاتی و ارتباطاتی در توسعه دموکراسی، مهار قدرت و سیاستمداران، گسترش آزادی و حقوق بشر و همبستگی مثبت نقش بسزایی داشته‌اند؛ لیکن در کنار این تأثیرهای مفید، تضعیف تهدید نرم ارزش‌های اخلاقی و سنتی، نابرابری و انواع شکاف، سودجویی، تعاملات نامناسب و ناشناخته و پریسک و .. را نیز به همراه داشته است. جرایم سایبری منافی عفت، از خطرناک‌ترین جلوه‌های تهدید نرم علیه امنیت اخلاقی جوامع ارزشی نظیر ملت ایران است. پنج دانش حقوق کیفری، جرم‌شناسی، سیاستگذاری جنایی و حقوق بشر، جامعه‌شناسی جنایی چه تعاملی می‌توانند داشته باشند تا نظام منسجم و مقتدری از کنش و واکنش در قبال جرایم شبکه‌های اجتماعی ناقض عفت اخلاقی طراحی شود و راهبردسازی کند؟

بدون شک مبارزه با جرایم شبکه‌های اجتماعی به مراتب دشوارتر و تخصصی‌تر از پیشگیری و مبارزه با جرایم سنتی است و دلیل این امر، تفاوت در ویژگی‌های جرایم شبکه‌های اجتماعی تلگرام و اینستاگرام در مقایسه با جرایم سنتی است.

یکی از این تفاوت‌ها، تفاوت در جنبه‌های مکانی و زمانی جرم است. جرایم سنتی در بیشتر موارد دارای وضعیتی ایستا هستند و مرتکبان جرم مجبورند در زمان و مکان خاصی برای ارتکاب جرم حضور یابند و منتظر باشند تا آماج‌های جرم (بزه‌دیدگان، اموال و...) نیز همان جنبه‌های زمانی و مکانی را با آن‌ها به اشتراک گذارند؛ در حالی که ارتکاب جرم در شبکه‌های چنین محدودیتی را ندارد و مرتکبان جرم می‌توانند در هر زمان و مکانی، بزه‌دیدگان بالقوه‌ی مورد نظر خویش را با یک کلیک شناسایی کرده و جرم مورد نظر را عملی سازند.

تفاوت دیگر، امکان‌پذیر بودن انجام تمامی فعالیت‌های رایانه‌ای در خلوت است؛ انجام فعالیت در خلوت، از آنجهت که باعث می‌شود فرد بتواند بدون مشاهده‌ی شخص ثالثی و یا حتی بهتر از آن، بی‌آنکه کسی اجازه‌ی تعرض به حریم خصوصی وی را داشته باشد مطابق میل خود عمل کند، مانعی اساسی در جهت اجرای تدابیر پیشگیرانه به خصوص از نوع اجتماعی آن محسوب می‌شود (جلالی فراهانی و باقری اصل، ۱۳۸۵: ۱۴۹) چرا که رسالت اصلی تدابیر پیشگیرانه‌ی اجتماعی، جلوگیری از شکل‌گیری انگیزه‌های مجرمانه است و محیطی که فرد با آن در تعامل است بیشترین نقش را در شکل‌گیری و جهت‌دهی انگیزه‌های درونی انسان‌یفا می‌کند؛ در نتیجه فضای سایبر این امکان را فراهم آورده است که در خصوصی‌ترین و ایمن‌ترین مکان، زمینه‌های ارتکاب شدیدترین ناهنجاری‌ها و شکل‌گیری انگیزه‌های مجرمانه و منحرفانه فراهم گردد.

ویژگی دیگری که جرایم شبکه‌های اجتماعی را از جرایم سنتی متمایز می‌سازد، امکان

ارتکاب این نوع جرایم در فضایی فرا ملی است؛ فرا ملی بودن این فضا به این معناست که در مواجهه با جرایم سایبری - بر خلاف جرایم سنتی - با هنجارها و باورهای مشترکی روبرو نیستیم تا عمل ارتكابی به اتفاق عموم جامعه، ضد هنجار تلقی شود بلکه عمل ارتكابی در این فضا، در ترازوی هنجارها و باورهای متفاوتی سنجیده می‌شود؛ بنابراین این امکان وجود دارد که آنچه بر اساس فرهنگ و هنجارهای مردم یک جامعه (کشور) خلاف اخلاق و جرم محسوب می‌شود بر اساس فرهنگ و هنجارهای جامعه‌ای دیگر، ارزش و مورد قبول عامه مردم آن باشد. این امر در مورد جرایم منافی عفت و اخلاق از مصادیق بیشتری برخوردار است؛ بطوریکه بسیاری از اعمالی که در برخی کشورها از جمله کشورهای اسلامی، خلاف عفت و اخلاق محسوب می‌شوند و در مجموعه قوانین جزایی آن‌ها جرم‌انگاری شده‌اند، در سایر کشورها نه تنها جزیی از فرهنگ عامه به شمار می‌آیند بلکه از سوی دولت‌ها قانونمند نیز گشته‌اند.

بی تردید، همانگونه که استفاده صحیح و مناسب از این فضا می‌تواند آثار مثبت و قابل توجهی را به همراه داشته باشد، استفاده نادرست و عدم رعایت هنجارها و احتیاط‌های لازم می‌تواند آثار زیانباری را به بار آورد؛ از جمله حوزه‌هایی که می‌تواند قربانی این آثار سوء قرار گیرد حوزه‌ی خانواده و عفت عمومی است که موضوع بحث مقاله حاضر می‌باشد. در رابطه با تاثیر جرایم منافی عفت بر نهاد خانواده، باید اذعان داشت که از یک سو جرایم منافی عفت باعث تاثیرگذاری مستقیم بر نهاد خانواده می‌شوند و در فروپاشی این نهاد مقدس نقش به‌سزایی دارند و از سویی دیگر، نهاد خانواده می‌تواند نقش مهمی را در پیشگیری از این نوع جرایم ایفا نماید (کرامتی معز و حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۶: ۵۲).

در کشور ما نیز قانونگذار موادی از قانون را در جهت مقابله با این پدیده اختصاص داده است که می‌توان اهم آن را مواد ۷۴۲^۱ و ۷۴۳^۲ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات (فصل جرایم رایانه‌ای) دانست؛ اگرچه در این مواد از لفظ پورنوگرافی استفاده نشده است اما موارد مذکور از مصادیق پورنوگرافی محسوب می‌شوند. در ماده ۷۴۲ قانون مذکور، انتشار، توزیع و یا معامله‌ی محتویات مستهجن جرم دانسته شده و بر طبق بند «الف» ماده‌ی ۷۴۳ قانون مذکور، تحریک، ترغیب، تهدید، تطمیع و یا فریب افراد به منظور دستیابی به محتویات مستهجن و همچنین آموزش و یا تسهیل نمودن شیوه‌ی دستیابی به چنین محتویاتی جرم انگاری شده است. امروزه در فضای مجازی اشخاص حقیقی و حقوقی زیادی وجود دارند که به انتشار، توزیع و یا معامله‌ی محصولات پورنو می‌پردازند و با انتشار تبلیغات جنسی، افراد زیادی را جهت دستیابی به محصولات مستهجن تحریک کرده و یا فریب می‌دهند و یا با راه‌اندازی سایتهای اینترنتی به آموزش دستیابی به محصولات پورنو و یا تسهیل این امر، مانند ارائه فیلترشکن‌های غیرمجاز می‌پردازند؛ از همین رو قانونگذار با وضع مواد فوق گام مؤثری در جهت مقابله با چنین جرایمی

برداشته است.

در مورد تحریک، ترغیب و یا فریب افراد به منظور ارتکاب جرایم منافی عفت و یا انحرافات جنسی باید گفت مورد دیگری که در ماده ۷۴۳ قانون مذکور جرم‌انگاری شده است تحریک، ترغیب و یا فریب دیگری به منظور ارتکاب جرایم منافی عفت و یا انحرافات جنسی، می‌باشد. تفاوت این جرم با جرم پورنوگرافی در این است که در جرم پورنوگرافی، مجرم اقدام به انتشار و رواج محصولات پورنو می‌کند در حالی که در این مورد، مجرم فرد یا افرادی را در جهت ارتکاب جرایم منافی عفت و یا انحرافات جنسی تحریک کرده و یا فریب می‌دهد برای نمونه می‌توان به سایت‌های فروانی اشاره نمود که مراجعین خود را به ارتکاب انحرافات جنسی از قبیل همجنس‌بازی تشویق کرده و گاه با بیان مسائل واهی اقدام به فریب آن‌ها در جهت ارتکاب چنین اعمال شنیعی می‌نمایند. در این راستا، دولت‌ها نه با یک شخص به عنوان مجرم، بلکه در اکثر مواقع با سامانه‌ی وسیعی رو به رو هستند که کشورهای زیادی نیز از آن پشتیبانی می‌کنند، نمونه‌ی این مورد همان اشاعه‌ی انحراف همجنس‌بازی است که امروزه در برخی از کشورهای غربی رواج یافته و مسئولین این کشورها از طرق گوناگون و با صرف هزینه‌های فراوان در جهت ترویج آن تلاش میکنند تا از این رهگذر افراد جامعه را به رهاکردن نهاد خانواده و روی آوردن به این سبک زندگی ترغیب نمایند. با این حال، اگرچه وضع قوانین موجود، در جهت مقابله با این نوع از جرایم تا حدی پاسخگو بوده است اما تدابیر پیشگیرانه‌ای نیز باید اتخاذ گردد تا به عنوان مکملی در کنار قوانین، مانع از شیوع این جرایم شود.

در برخی موارد، انگیزه‌ای که افراد را به ارتکاب جرایم منافی عفت سوق می‌دهد نه اقتصادی است و نه ضد دینی و سیاسی؛ بلکه ارضای تمایلات جنسی است که آن‌ها را به ورطه-ی ارتکاب جرم می‌کشاند؛ چنین افرادی محیط سایبر را مکان امنی برای تخلیه و ارضای مطالبات جنسی نامشروع خویش دانسته و با توجه به امکاناتی که این فضا در اختیار آن‌ها قرار می‌دهد (از قبیل پنهان ماندن هویت واقعی مرتکب و دسترسی سریع‌تر و آسان‌تر به قربانیان مورد نظر در مقایسه با دنیای فیزیکی) اقدام به فریب کاربران و یا تشویق و ترغیب آن‌ها در جهت انجام اعمال منافی عفت مورد نظر خویش، می‌نمایند.

در ورود به محیط تلگرام و اینستاگرام اگرچه ارمغان‌آور پیامدهای مثبتی برای انسان بوده است اما وی را در معرض آسیب‌ها و انحرافات اخلاقی جدیدی قرار داده است؛ انحرافات که به دلیل نقش آن در شیوع جرایم منافی عفت، توسط قانونگذار مورد جرم‌انگاری نیز قرار گرفته است؛ اما واقعیت این است که صرف جرم‌انگاری و مجازات نتوانسته است موجب بازدارندگی بزهکاران بالقوه از ارتکاب این نوع جرایم گردد؛ از این رو باید تدابیری اندیشید که اساساً انگیزه‌ی ارتکاب چنین جرایمی در افراد جامعه ایجاد نگردد. برای تحقق این هدف، بکارگیری تدابیر

پیشگیرانه‌ی اجتماعی جامعه‌مدار و رشدمدار می‌تواند تا حد زیادی راهگشا باشد؛ البته این امر مشروط به حصول شرایطی است؛ در حوزه‌ی تدابیر پیشگیرانه‌ی جامعه‌مدار در صورتی می‌توان به نتیجه‌بخش بودن این تدابیر امیدوار بود که علاوه بر عموم مردم، نهادها و سازمان‌های مربوطه نیز در ارائه و حمایت از این تدابیر نقش خود را به خوبی ایفا نمایند؛ در رابطه با تدابیر پیشگیرانه‌ی رشدمدار نیز اصلی‌ترین نهاد تاثیرگذار را می‌توان نهاد خانواده دانست، چرا که این تدابیر زمانی کارآمد خواهد بود که از دوران کودکی به اجرا در بیایند و نهاد خانواده بعنوان اولین محیط مورد برخورد کودک، بهترین محیط برای اجرای این تدابیر محسوب می‌شود. بدیهی است والدین زمانی می‌توانند رسالت نهاد خانواده در اجرای این تدابیر را به انجام رسانند که خود، از خطرات و انحرافات فضای سایبر که می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری انگیزه‌ی ارتکاب جرایم منافی عفت گردد، آگاه باشند از این رو ابتدا باید زمینه‌ی آشنایی آنها را با محیط سایبر و جنبه‌های مثبت و منفی آن فراهم ساخت و سپس آنها را در اتخاذ و اجرای تدابیر لازم یاری نمود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

امروزه، کودکان و نوجوانان با اینترنت بزرگ شده‌اند و به نوبه خود، به شدت با فرصت‌های متعدد استفاده برخط از این ابزار، آشنا هستند. کودکان و نوجوانان با استفاده روش‌های مختلف مربوط به ارتباط رایانه‌ای مانند ایمیل، چت، پیامک و شبکه‌های اجتماعی، درگیر جریان جامعه پذیرگی برخط و آنلاین هستند. به علاوه، کودکان و نوجوانان، نه تنها با استفاده از اینترنت در جریان جامعه پذیرگی قرار دارند، بلکه زمان زیادی را به کار ارتباطات اینترنتی اختصاص می‌دهند؛ متأسفانه به رغم این که استفاده از وسایل ارتباط رایانه‌ای، قادر به ایجاد تعاملاتی مثبت می‌باشد و کاربران را در توسعه روابط مورد علاقه خویش توانا می‌سازد اما زمانی که کودکان و نوجوانان، اوقات زیادی از زندگی خویش را صرف ارتباطات آنلاین می‌کنند، خود را در معرض خطر فزاینده بزه‌دیدگی نیز قرار می‌دهند.

کودکان و نوجوانان بزه دیده در تحقق جرم علیه خویش نقشی نداشته‌اند و به خواست بزه‌کار قربانی شده‌اند. در این گروه افرادی حضور دارند که بزه‌دیدگی آنها مبتنی بر بی احتیاطی، تقصیر و رفتار تحریک کننده ایشان نیست و این گروه صرفاً به علت قرار گرفتن در مسیرهای بزه‌کاری، قربانی جرم شده‌اند. در خصوص بزه‌دیدگی سایبری این افراد را می‌توان کسانی دانست که هیچ گونه رفتار پرخطری را در محیط سایبری انجام ندادند، اما قربانی جرم شده‌اند. برخی قربانیان جرائم سایبری تنها به علت فقدان آگاهی دچار بزه‌دیدگی می‌شوند، به گونه‌ای که عملاً نقشی در تحریک بزه‌کار به ارتکاب جرم نسبت به خودشان نداشته‌اند؛ لکن در تحقق جرم نیز مطلقاً بی تاثیر نبوده‌اند، چرا که ناآگاهی و سهل انگاری‌شان موجبات این بزه‌دیدگی را فراهم کرده است؛ این دسته افراد بر خلاف، بزه‌دیدگان واقعی که هیچ گونه بی

احتیاطی موثر در وقوع بزه دیدگی نداشته‌اند، با سهل‌انگاری خود بزه دیده واقع شده‌اند. در واقع این دسته از بزه‌دیدگان سایبری به‌طور هم‌زمان قربانی بی‌احتیاطی خود و رفتار مجرمانه بزه‌کار شده‌اند و به تعبیری بزه‌دیدگی آن‌ها منشأً دوگانه دارد، که تا حدود بسیاری رفتار پرخطرشان موجب تحقق و تشدید رفتار مجرمانه نسبت به ایشان شده است.

در رابطه با شبکه‌های اجتماعی می‌توان گفت که هر چند شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام و تلگرام ممکن است ابزاری در جهت ارتکاب جرم باشد اما از یک طرف دیگر مدیریت صحیح رسانه‌ها و محیط‌های اینستاگرام و تلگرام کمک شایانی به پیشگیری از جرم می‌کند.

انعطاف‌پذیری و سادگی بی‌نظیر شبکه‌های اجتماعی سایبری در امر کاربری، موانعی مانند محدوده سنی و میزان دانش و مهارت را از میان برداشته است؛ اما این وضعیت دغدغه‌هایی را هم برمی‌انگیزد، زیرا امکان انواع سوء استفاده‌ها به‌طور غیرقابل باوری افزایش می‌یابد. از این‌رو باید برای بهره‌برداری صحیح و سودمند از امکانات، هنجارهایی را وضع و با ناهنجاری‌ها مقابله کرد. با این حال، از آنجا که این هنجارها بر مبنای ویژگی‌های منحصر به فرد فضای سایبر تنظیم می‌شوند و برای آن‌ها در دنیای فیزیکی مشابهی وجود ندارد؛ چنانچه کاربران - که همانند کودکی نوپا در این دریای بی‌کران رها هستند - مورد اطلاع‌رسانی کافی و صحیح قرار نگیرند؛ هرگونه مقابله با هنجارشکنی‌های سایبری با ایرادات جدی حقوقی مواجه خواهد بود.

کودکان و نوجوانان استفاده‌کننده از شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام و تلگرام باید مورد آموزش قرار گیرند تا میزان مشارکت خود در ارتباط آنلاین خویش در شبکه‌های اجتماعی را محدود به افرادی کنند که آن‌ها را می‌شناسند و به آن‌ها اطمینان دارند. کودکان و نوجوانان اطلاعات شخصی خویش را در اختیار افرادی کاملاً غریبه می‌گذارند و احتمال این نیز وجود دارد که رابطه مجازی آن‌ها به شکل غیر آنلاین از دیگر طرق ارتباطی و اغلب شخصی، ادامه پیدا نماید و امکان بزه‌دیدگی فیزیکی وجود دارد. اگر کودکان و نوجوانان ارتباطات آنلاین خود را به افرادی که می‌شناسند، محدود نمایند، خطر بزه‌دیدگی غیر آنلاین آن‌ها نیز کاهش می‌یابد.

آگاهی بخشی و آگاه کردن مردم از طریق بسیج کردن همه امکانات موجود؛ با توجه به اینکه بیشتر استفاده‌کنندگان از اینترنت و فضای مجازی کودکان و نوجوانان هستند، فرهنگ سازی برای کاهش پیامدهای آن ضروری است. یکی از علت‌هایی که ما استفاده درست از بعضی از وسایل را نمی‌دانیم فرهنگ غلطی است که برای ما درونی شده است و نمی‌دانیم که هر وسیله‌ای جدید که وارد جامعه می‌شود باید کاربرد آن در مواردی باشد که برای مردم و اجتماع مفید است و همیشه به دنبال جاذبه و سرگرمی نباشیم و جذابیت را فدای منفعت نکنیم. همچنین باید از طریق امکاناتی که در زیر ذکر می‌شود فواید اینترنت و کاربردهای آن آموزش داده شود و تشویق‌شان کرد که به جای صرف کردن ذهنشان به کارهای بیهوده به مسائل علمی و شکوفایی

جامعه توجه نمایند و از نعمت‌های خدا بهترین استفاده را انجام دهند و از لحظه لحظه زندگی‌شان بهترین بهره برداری را نمایند و قدر ثانیه‌هایی را که می‌گذرد بدانند و از این مسأله غافل نشوند که هر ثانیه عمر هیچ بازگشتی نیست. امکاناتی که می‌توان از آنها استفاده کرد به شرح زیر هستند:

صدا و سیما، خوشبختانه موقعیت خوبی از جهت توجه مردم به شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی داریم و باید از این امکان استفاده کرد و به مردم آگاهی داد. استفاده از نشریات و روزنامه‌ها که وزارت ارشاد باید برنامه ریزی کند. پخش آگهی‌های آموزنده از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در رادیو و تلویزیون در جهت افزایش آگاهی خانواده‌ها در خصوص خطرات ناشی از اینستاگرام و تلگرام؛ پخش برنامه‌های کوتاه آموزشی درباره مزایا و معایب شبکه‌های اجتماعی از زبان ورزشکاران و هنرمندان محبوبی که عموماً جوانان آن‌ها را الگوی خود قرار می‌دهند. برگزاری جلسات آموزشی از سوی مصادر امور فرهنگی در شهرستان‌ها به منظور آشنا نمودن و اطلاع رسانی به والدین در مورد فناوری‌های جدید به ویژه اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مجازی است. استفاده از امکانات عظیم آموزش و پرورش که بازنده‌ترین نیروها و دلسوزترین نیروها (یعنی به وسیله معلمان) هدایت کودکان و نوجوانان این مرز و بوم را برعهده دارد. باید از امکانات مربیان تربیتی و سایر امکانات آموزش و پرورش برای آگاه کردن دانش آموزان با خطرتهاجم فرهنگی دشمن استفاده کرد؛ یکی از محیط‌های مهم و تأثیرگذار بر نوجوانان، مدرسه است. اقدامات مناسب اولیای مدرسه می‌تواند از بخشی از آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام و تلگرام را پیشگیری کند.

فهرست منابع

۱. ابراهیمی، محسن (۱۳۹۱)؛ هرزه نگاری در جرم‌شناسی، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه پیام نور استان البرز.
۲. جلالی فراهانی، امیرحسین و رضا باقری اصل (۱۳۸۵)؛ پیشگیری اجتماعی از جرایم سایبری راهکاری اصولی برای نهادهای سازنده اخلاق سایبری، دومین همایش منطقه‌ای اخلاق و فناوری اطلاعات، تهران، مرکز تحقیقات مخابرات ایران،
۳. جعفری فرد، علی (۱۳۹۳)؛ علل و پیامدهای هرزه نگاری اینترنتی و جنبه‌های کیفری آن، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۴. دیده بان، صارم (۱۳۹۳)؛ بررسی جرم‌شناسی هرزه نگاری کودکان، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۵. طلاکش، شادی (۱۳۹۴)؛ هرزه نگاری در حقوق کیفری ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه غیرانتفاعی شهید اشرفی اصفهانی.
۶. کرامتی معز، هادی و عبدالهی، سامان (۱۳۹۶)؛ بایسته‌های جرم انگاری در حقوق خانواده با تأکید بر حفظ کیان خانواده، قم: انتشارات نوید حکمت، چاپ اول.
۷. کرامتی معز، هادی و حاجی ده آبادی، احمد (۱۳۹۶)؛ تقابل ضمانت اجرای کیفری قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱، فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی، دوره ۱۱، شماره ویژه پیشگیری از جرم و حقوق.
۸. کرامتی معز، هادی؛ صدر، محمدحسن و مقدم، علی (۱۳۹۶)؛ رویکرد پیشگیرانه کیفری و غیرکیفری از بزه‌دیدگان تروریسم در فضای سایبر، مجله دانش انتظامی زنجان، شماره ۲۴.
۹. محکم کار، ایمان و حلاج، محمد مهدی (۱۳۹۳)؛ فضای مجازی، ابعاد، ویژگی‌ها و کارکردهای آن در عرصه هویت، با محوریت شبکه‌های اجتماعی مجازی، فصلنامه معرفت، شماره ۲۰۱.
۱۰. محمدامینی، شقایق و خلعتبری، محمد (۱۳۹۴)؛ بررسی شبکه اجتماعی اینستاگرام و کارکردهای آن، کنفرانس بین‌المللی رویکردهای نوین در علوم انسانی، مالزی.
11. Akers, R, (1998)., Social learning and social structure: A general theory of crime and deviance. Boston, MA: Northeastern University press.
12. Chung, N. and C. Koo (2015). "The use of social media in travel information search." Telematics and Informatics 32(2).
13. Grabosky, p , 2007, the Internet, technology and organised crime, paper presented at Organised Crime in Asia conference, Nation University of Singapore.



شرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتمال جامع علوم انسانی